

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در ۳۳ سالگی خود تبدیل به بزرگترین رویداد فرهنگی ایران شده است؛ رویدادی که گردش مالی قابل توجهی برای صنعت نشر به همراه دارد. در عین حال نمایشگاه مخالفانی نیز دارد. برخی از کارشناسان حوزه نشر از جمله فعالان ویرتین کتاب در ایران معتقدند، نمایشگاه دلیل اصلی شکل نگرش سیستم توزیع قدرتمند در ایران است. غلبه بُعد فروشگاهی بر بُعد نمایشگاهی در دوره‌های مختلف این رویداد فرهنگی، دغدغه‌ای است که در سال‌های گذشته همواره فعالان این عرصه نسبت به آن ابراز نگرانی کرده‌اند.



و بیرون می‌آید. دوباره به اصفهان برمی‌گردد و مدت کوتاهی در «سیمان سپاهان» کار می‌کند، اما مدتی بعد برای همیشه به زادگاهش کرمان باز می‌گردد و در «کارخانه سیمان کرمان» مشغول به کار می‌شود. در مدت اقامتش در کرمان، انقلاب ۵۷ به پیروزی می‌رسد و با جذب تعدادی از مدیران تحصیل کرده در آمریکا، بیکار و خانه‌نشین می‌شود. اما کارگران دوستش دارند و اصرار می‌کنند که بازگردد. در سال ۱۳۵۸ محمدجواد حجتی‌کرمانی ضمن بازدید از کارخانه، مطلع می‌شود که بر جلال صفارزاده چه گذشته، به این ترتیب به خانه‌اش می‌رود و او را راضی می‌کند که به کارخانه بازگردد. او را قلمدوش به کارخانه برمی‌گرداند.

صفارزاده در سال ۱۳۵۹ دوباره با تحریک دو عضو هیأت مدیره، از کارخانه اخراج می‌شود تا اینکه این‌بار با دعوت حجت‌الاسلام جعفری-امام‌جمعه، و آقای فلاح دادستان، به محل کار باز می‌گردد. این‌بار مدت زمان حضورش در سیمان کرمان، طولانی‌تر می‌شود و درست روزی که قطعه‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل پذیرفته می‌شود، کار او هم به پایان می‌رسد. پس از آن، به تهران دعوت می‌شود و مدیریت «سیمان تهران» را بر عهده می‌گیرد. بعد از آن، به انجمن سیمان می‌رود و به جای مهندس لیل‌آبادی ریاست انجمن سیمان را بر عهده می‌گیرد. در انجمن سیمان، از طریق تعامل با مجلس و دیگر سازمان‌ها، سیمان را از سبب حمایتی خارج می‌کنند و به این ترتیب راه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت سیمان هموار می‌شود و امروز در نتیجه آن تصمیم، تولید سیمان از هفت میلیون تن قبل

در طول زندگی‌اش همیشه اهل کتاب و شعر بوده و در تاریخ و فرهنگ مطالعات زیادی دارد. در کتاب‌هایی که نوشته، کارآفرینان و پیشروان توسعه صنعتی ایران را معرفی کرده و کوشیده به جوانان یادآور شود که ایران همیشه مثل امروز نبوده، بلکه راه دشوار و سختی را تا رسیدن به این وضعیت طی کرده است. به علاقه‌مندان توصیه می‌کنم، مطالعه‌ی زندگی سرشار از شک‌ها و لیخنده‌های او را در کتاب: «رواق زبرجد، تلاشگران پیشرفت کرمان، به کوشش محسن جلال پور، گردآوری و پژوهش محمد مهدی ملک‌قاسمی»، دنبال کنند.

از انقلاب، به هفتاد میلیون تن رسیده است. **یادگارهای جلال صفارزاده** کتاب اولش «مدیر کارخانه» نام دارد که در آن اشتباهات مدیریتی را به نقد کشیده است. کتاب دومش «فرزندخوانده» نام دارد که شرح زندگی اوست. کتاب‌های بعدی «کودکان کار»، «ایران خانه ما»، «تاریخ صنایع ایران»، «تاریخ صنعت سیمان» و «تاریخچه دانشگاه‌های ایران» است و کتابی هم در دست نگارش دارد. او سه دختر دارد که هر سه تا مقطع دکترا تحصیل کرده‌اند، متأسفانه همسر ایشان هم اخیراً دار فانی را وداع گفت. خداوند روح آن بزرگوار را قرین رحمت فرماید.

مرور زندگی پر فرازو فرود جلال صفارزاده؛

شاعری صنعت‌گر و کارآفرین

اولین اشتغال در سیمان درود

وضع به همین منوال می‌گذرد که دانشگاه را به پایان می‌رساند و به توصیه‌ی یکی از استادانش برای کار به «سیمان درود» مراجعه می‌کند. در خانه‌ی سازمانی سیمان درود ساکن می‌شود و از عمو و زن عمویش که در خانه محقری در سیرجان زندگی می‌کنند دعوت می‌کند به درود نقل مکان کنند. به عمو و زن عمویش احترام زیادی می‌گذارد و دیگر نمی‌گذارد به آن‌ها بد بگذرد. در شهر «درود» دبیرستانی وجود دارد که ظرفیت تحصیلی‌اش تا کلاس دهم است؛ یعنی به دلیل کمبود معلم کلاس یازده و دوازده ندارد. آقا جلال از رئیس کارخانه اجازه می‌گیرد تا با جمعی از همکارانش در آن دبیرستان به‌صورت رایگان درس بدهند؛ به این ترتیب مشکل کلاس یازده حل می‌شود. داوطلبان تحصیل در کلاس دوازدهم یا به اراک می‌رفتند یا به قم. این‌بار مشکل دبیرستان، هم مجوز است و هم کمبود جا. این است که آقا جلال مدیران شرکت

می‌دهند. پس از آن روز، آقا جلال را به مدارس دیگر هم دعوت می‌کنند تا سخنرانی کند. روزگار به خوبی پیش می‌رود و ایام به کام است، اما این روزهای خوش زیاد دوام نمی‌آورد؛ عموجان ورشکسته می‌شود و دارایی‌هایش را می‌فروشد تا به طلبکاران بدهد. خانه‌ی بزرگ و باغ و باغچه را رد می‌کنند و در خانه‌ای محقر می‌نشینند. پسر قصه‌ی ما عمه‌ای دارد که وضع مالی‌اش بد نیست. از جلال می‌خواهد که پنج‌شنبه‌ها به خانه‌اش برود تا برایش قصه بخواند. جلال یک روز در کشاکش خواندن قصه‌ی «مشکل‌گشا» و «عاق والدین»، از عمه درباره‌ی پدر و مادر واقعی‌اش می‌پرسد. عمه طفره می‌رود اما او اصرار می‌کند تا سرانجام واقعیت را از زبان او می‌شنود.

از این‌جا به بعد همه چیز تغییر می‌کند. جلال که پسر فهیمه و با معرفتی است، برای کمک به خانواده‌اش به تدریس خصوصی رو می‌آورد. مدیر دبیرستان هم نوشتن دفاتر را به او می‌سپرد که گاهی برایش درآمد اندکی به دنبال دارد. تابستان‌ها هم کار می‌کند و سهم اندکی در تأمین هزینه‌های خانه بر عهده می‌گیرد. با همین کیفیت تا کلاس یازدهم دبیرستان ادامه می‌دهد و برای قبولی دانشگاه و شرکت در کنکور راهی تهران می‌شود. چون کارنامه‌ی خوبی دارد، بی‌هیچ مصاحبه‌ای در «دارالفنون» ثبت‌نام می‌کند و دیپلم می‌گیرد. نتایج کنکور که می‌آید متوجه می‌شود که در رشته‌ی مهندسی شیمی نکت در دانشکده پلی‌تکنیک قبول شده است. برای گذران زندگی هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه، در کلاس‌های کنکور هم تدریس می‌کند. سه‌سال در تبریز می‌ماند، و استعفا می‌دهد

محسن جلال پور: درباره‌ی «جلال صفارزاده» چه می‌توان نوشت؟ شاعر، نویسنده، معلم، صنعتگر، کارآفرین و از همه مهم‌تر یک انسان خوب. بسیار متأسفم، چون زمانی این متن را منتشر می‌کنم که او دادگار همسرش است. خیلی‌ها با مهندس صفارزاده آشنایی دارند؛ جز این‌ها، او برادر «طاهره صفارزاده» و برادر خاتم «عبدالوهاب نورانی وصال» است که هر دو برای ادب‌دوستان مشهور و معرف حضورند. او پیش از آن‌که به دنیا بیاید، پدرش را از دست می‌دهد و چهل روز پس از تولد، مادرش نیز مهمان خاک می‌شود. از پدر و مادر کوچ کرده به آن جهان، چهار فرزند قد و نیم‌قد به نام‌های طاهره، حاجیه‌خانم، جواد و جلال به یادگار می‌ماند. سرپرستی سه فرزند بزرگ‌تر را دایه‌شان «حاج محمدحسین صفاریان» بر عهده می‌گیرد و طفل چهل روزه را عمویشان «حاج احمد صفارزاده» به فرزندخواندگی می‌پذیرد. جلال قصه‌ی ما در گذر زمان بزرگ می‌شود و مهرش همچون فرزند واقعی در دل عمو و زن عمو می‌نشیند. تا سال‌ها از مرگ پدر و مادر خبر ندارد و عمو و زن عمو را پدر و مادر واقعی خود می‌داند، اما در مدرسه همیشه بچه‌های لوسی هستند که موضوع را لو می‌دهند. در دبستان، ناظمی به نام «عطا عربی» بی‌به هوش و استعدادش می‌برد، و صبح‌ها، سر صف برای سخنرانی و تلاوت قرآن صدایش می‌کند. یک روز رئیس اداره فرهنگ کرمان برای بازدید به مدرسه آن‌ها می‌رود. عطا عربی از جلال صفارزاده می‌خواهد در حضور رئیس فرهنگ سخنرانی کند.

پسر شیرین‌زبان به گونه‌ای سخنرانی می‌کند که همه خوششان می‌آید. به دستور رئیس فرهنگ، یک نقشه‌ی ایران به او جایزه

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان صادر کننده برگزیده استان کرمان در سال ۱۴۰۰



شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

این امر افزایش رضایت مشتریان صادراتی و داخلی را در پی داشته و بقا و گسترش بازار را فراهم نموده است.

با دیگر استان‌های صنعتی از عوامل تاثیرگذار برای رقابت‌پذیری شرکت و ایجاد فرصت‌های تجاری و صادراتی مناسب می‌باشد. بازارهای هدف این مجموعه تولیدی صنعتی تاکنون شامل جنوب شرق آسیا، منطقه خلیج فارس، منطقه منا می‌باشد که بیشتر تقاضای این بازارها فولاد کربنی ساده و فولاد ساختمانی است و خوشبختانه این شرکت موفق به جلب رضایت مشتریان و افزایش میزان صادرات شمش فولادی خود شده است.

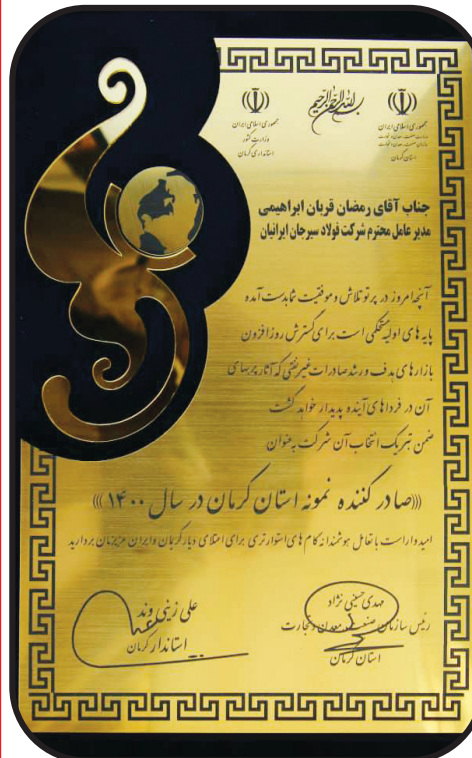
در راستای دستیابی به بهترین کیفیت، سیسکو از تکنولوژی‌های برتر روز و نخسگان با تجربه صنعت فولاد بهره برده و بهترین و بهینه‌ترین مواد اولیه را در تولیدات خود استفاده می‌نماید.

کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی استان کرمان و شهرستان‌های سیرجان و بردسیر عنوان کرده است و تا بدین جای کار در راستای عمل به این مأموریت از همه توان و ظرفیت‌های مدیریتی و تخصصی خود بهره برده و موفقیت‌های چشمگیری نیز داشته است. استفاده از افراد باتجربه و کارکنان متخصص همراه با آموزش مناسب سرمایه انسانی، استفاده از سیستم‌های به روز مدیریتی، قرار گرفتن کارخانه‌های کنسانتره و گندله سازی در مجاورت معادن سنگ آهن، فاصله مناسب مجتمع‌های تولیدی شرکت، دسترسی به جاده‌های ترانزیتی مهم استان و جنوبی کشور، قابلیت دسترسی به راه‌آهن، قرار گرفتن مجتمع‌ها در موقعیت جغرافیایی مناسب با قابلیت دسترسی به بنادر جنوبی و همچنین فاصله مناسب

فولاد سیرجان ایرانیان بعنوان صادر کننده برگزیده استان کرمان در حوزه صنعت و معدن انتخاب شد. در این مراسم که با حضور مقامات کشوری و استانی برگزار شد، مدیر محترم امور بازرگانی به نمایندگی از طرف مدیرعامل محترم شرکت، لوح و تندیس صادر کننده برتر را دریافت کرد.

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ میدکو است که از آبان ماه ۱۳۸۸ با هدف طراحی تجهیزات، اکتشاف و استخراج از معادن احداث و بهره‌برداری از کارخانجات کنسانتره سنگ آهن، گندله سازی، احیای مستقیم و فولادسازی تشکیل گردیده است و ماهوریت خود را ایجاد ارزش پایدار و بهینه در تکمیل زنجیره ایمن و پاک فولاد یعنی از (معدن تا شمش فولادی) و

پنجم اسفند مصادف با روز مهندس، همایش بزرگداشت روز صادرات استان کرمان در سالن شهدای زغال سنگ کرمان برگزار شد و از صادر کننده‌گان برتر استان کرمان تجلیل گردید و شرکت



دعوت به همکاری

از یک نفر فروشنده برای همکاری در لوازم خانگی به صورت ۲ شیفت با حقوق عالی، پورسانت و بیمه دعوت به عمل می‌آید:

۹۵۲۰ ۳۴۷ ۰۹۱۳

آگهی تحدید حدود هیات

در اجرای ماده ۱۰ این نامه اجرایی قانون الحاق مولای به قانون ساماندهی و حمایت از تولید عرضه مسکن بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در اجرای این قانون

۱- مورد تقاضای آقای اسماعیل عزت آبادی پور فرزند کهندل به شناسنامه ۱۰۵۷-۱۴۰۱۰۳۱۱۳۱۱ صادره از سیرجان شش دانگ خانه پلاک ۴۵۶ فرعی از ۵۰۷۰ اصلی واقع در نجف شهر بخش ۳۶ کرمان به مساحت ۲۶۸۷/۶ مترمربع

۲- مورد تقاضای آقای اصغر نورمنی پور فرزند علی به شناسنامه ۱۷۹-۱۴۰۱۰۷۸۲۹۵۷ صادره از سیرجان شش دانگ خانه پلاک ۱۶۰ فرعی از ۵۰۷۰ اصلی واقع در نجف شهر بخش ۳۶ کرمان به مساحت ۱۹۶/۱۵ مترمربع

که پس از رسیدگی هیات حل اختلاف موضوع ماده ۷ این نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر رای به تحدید حدود صادر نموده، بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند در مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ روز یکشنبه عملیات تحدید حدود در محل ملک به عمل می‌آید. لذا طرف مدت ۲۰روز از تاریخ تنظیم صورتجلسه چنانچه کسی به تحدید حدود معترض است اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سیرجان تسلیم و از تاریخ تسلیم ظرف مدت یک ماه داخل‌خواست اعتراض بر ثبت به مرجع صالح قضایی تسلیم و گواهی مربوطه را به اداره ثبت اسناد سیرجان ارائه نماید. چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از انتشار آگهی اعتراض نرسد و معترض ظرف یک ماه از تاریخ اعتراض گواهی تنظیم داخل‌خواست به مرجع صالح قضایی ارائه ننماید. سند مالکیت به نام تقاضای صادر و تسلیم می‌گردد. م الف ۲۰۶ تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ محمد آزماپور- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیرجان

لوازم خانگی مدرن

لوکس ترین و با کیفیت ترین لوازم خانگی با نازلترین قیمت

آدرس: سیرجان - انتهای بلوار فاطمیّه - جنب کمر بندی ۰۹۱۳ ۰۲۹ ۸۷۶۱ (مدیریت: حیدری)

سرکار خانم دکتر نفیسه صوری

پرنسپل پرتلاش بخش کووید ۲ بیمارستان امام رضا (ع)

بدینوسیله مراتب سپاس خود را از تلاش و زحمات ارزشمند و صادقانه شما بزرگواران در زمینه بهبود و سلامتی فرزندانم تقدیم می‌دارم. از درگاه ایزد منان برای شما عزیزان، دوام عزت و سلامت، مسئلت دارم.

خانواده شهید اسلاکیش